

تأثیر انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) بر جنبش‌های اسلامی عراق

میرا بر اهیم صدیق^۱

چکیده

شکل‌گیری انقلاب ۱۳۵۷ در ایران دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که از جمله آنها می‌توان به اسلامی و مبتنی بر مذهب تشیع بودن آن اشاره کرد. وجود عنصر دین به عنوان اصلی‌ترین عنصر انقلاب اسلامی، این انقلاب را از سایر انقلاب‌ها متمایز نموده است. پس از آن، در بسیاری از کشورهای اسلامی، نفوذ موفقیت‌های انقلاب اسلامی و ایدئولوژی امام خمینی (ره)، با پافشاری موفقیت‌آمیز بر «اسلام مردمی»، قویاً احساس می‌شد. آراء و افکار امام خمینی (ره) نقش بسزایی در صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای ایران داشته است. مقاله حاضر ضمن امعان نظر به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی، به کندوکاو تأثیرگذاری اندیشه‌های امام خمینی (ره) بر عراق می‌پردازد. این در حالی است که ترس و هراس غربیان از بازگشت به اسلام رادیکال و آموزه‌های آن و تأثیر بر جنبش‌های اسلامی، توجه به انقلاب اسلامی ایران را مهمتر می‌نماید.

واژه‌گان کلیدی: امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی، عراق، صدور انقلاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

بعد از انقلاب اسلامی ایران ما شاهد ظهور و تجدید حیات بخش‌های اسلامی به ویژه در کشورهای شیعه نشین بوده‌ایم. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با زمینه ایدئولوژیک مانوس برای شیعیان در پیچه امیدی برای آنان گشود، در واقع پیروزی انقلاب اسلامی الگوی عینی و عملیاتی اندیشه‌های شیعی تلقی می‌شد به ویژه که آنها خواستند آموزه‌ها و دستاوردهای انقلاب را صادر و کسانی که خواهان دگرگونی وضعیتشان هستند یاری دهند. دمیدن روح و جانی دوباره به جنبش‌های اسلامی در سایر ممالک اسلامی موهبتی بوده است که از انقلاب اسلامی ایران سرچشمه می‌گیرد. جنبش‌هایی که به دلیل فشارهای داخلی ناشی از سرسپردگی سران دولت‌های خویش به بیگانگان و فشارهای خارجی ناشی از ناکارآمد بودن، در حالت احتضاری عمیق به سر می‌بردند.

مسئله صدور انقلاب اسلامی ایران ریشه در ویژگی‌های تاریخی و فردی ایرانیان دارد. تأثیرگذاری انقلاب ایران بر کشورهای اسلامی و به ویژه جنبش‌های اسلامی بر کسی پوشیده نیست و تنها بر اساس نوع نگاه پیشینه‌ای و کمینه‌ای به آن نگریسته می‌شود. پژوهش پیشرو عاری از این نوع نگاه در پی میزان اثرگذاری انقلاب ایران با تأکید بر آموزه‌های امام خمینی (ره) بر کشور عراق، در دو دوره متفاوت رژیم بعثی و عراق جدید است. گرچه واضح است که وجود اکثریت شیعه در عراق شرایط و زمینه را برای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در عراق فراهم نموده است. عراق از جمله کشورهایی است که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شاهد خیزش حرکت‌های اسلامی بوده است. این جنبشها اگر چه به دلایل متعدد نظام حاکم و وحدت داخلی نتوانستند به اهداف خود نائل شوند اما در این نکته که به عنوان گروه‌های معارض با نظام حاکم (صدام) توانسته بودند توجه دیگر گروهها را به خود جلب کنند و به ویژه از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران برخوردار باشند بسیار قابل توجه است. انقلاب اسلامی توانست بار دیگر روحیه قیام و ظلم ستیزی را در این حرکت بدمد و آنها را به مرحله‌ای از انقلابی بودن سوق دهد.

در این پژوهش سعی گردیده است حداکثر جامعیت لحاظ گردد. بر این اساس موضوعات با توجه به شرایط سه‌گانه رابطه رهبری انقلاب ایران و جنبش اسلامی عراق در ارتباط شخصی، اشتراک ایدئولوژیک و فرهنگی و همچنین الگو پذیری از کنش موفق مطرح گردد.

۱) آموزه‌های امام خمینی (ره) در خصوص انقلاب و جنبش‌های اسلامی ۱-۱) آموزه‌های بنیادین

امام خمینی با استناد به کتاب و سنت اهتمام به امور مسلمین را یک فرضیه و از واجبات می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۷۲). از دیدگاه ایشان این یک اصل اسلامی است که هر مسلمانی باید به مسلمانان دیگر کمک کند.

مستضعفین و محرومین که همواره در کلام و بیانات امام خمینی (ره) مطرح شده است عمدتاً کسانی هستند که از جهت امکانات مادی و قدرت سیاسی توسط حکومت‌های طاغوتی یا قطب‌های سرمایه‌داری و قدرتمند به ضعف کشیده شده‌اند. از دیدگاه امام خمینی (ره) حمایت از مستضعفین و محرومین امری است که از صدر خلقت در تمام ادیان الهی مورد توجه بوده است. «اسلام برای نجات مستضعفین آمده است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۲۱۲). «اسلام برای همین مقصد آمده است، تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتواند مستکبرین، مستضعفین را استثمار کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۷۱). بنابراین حمایت از مستضعفین و ملل تحت ستم، از دیگر پیش فرض‌های سیاست خارجی حکومت اسلامی در اندیشه‌های سیاسی حضرت امام محسوب می‌گردد. داعیه حمایت از مستضعفین پدیده‌ای است که انقلاب اسلامی و اندیشه‌های رهبری، آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی امتداد داده و آن را چنان حلقه‌ای با تمام جنبش‌های اسلامی بلکه کلیه خیزش‌های رهایی بخش مرتبط می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۱: ۳۶۵).

امام خمینی (ره) بر اساس مبانی مذکور به انتقاد از محصوریت انگیزه‌های ملی‌گرایی و تخالف آن با جهانشمولی اسلام می‌پردازد. «این انگیزه ملی‌گرایی و خلود در ارض است که مصالح مسلمانان را فراموش کرد و دفاع از مصالح مسلمین را در حصار ملت خاص قرار داد و قلم سرخ بر قرآن کریم و احادیث رسول الله و ائمه مسلمین علیهم السلام و سیره مستمره انبیای عظام و اولیای معظم علیهم السلام در طول تاریخ کشیده است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۲۰، ۱۷-۱۶).

۲-۱) صدور انقلاب

«انقلاب منحصر به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران آغاز انقلاب بزرگ جهان است.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۱۲)

در دوران حیات امام خمینی (ره) صدور انقلاب به دو معنا به کار برده شد؛ دوره نخست که از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت، معنا و مفهوم صدور انقلاب بر پایه «آگاهی بخشی» و «رهایی بخشی» تعریف و تعقیب می‌شود و الگوی صدور در این معنا و مفهوم، الگوی اشاعه حکومت اسلامی در چارچوب گسترش اسلام سیاسی و بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی اتخاذ گردید. اسلام، سیاسی، همان قرائتی از اسلام است که امام خمینی اسلام ناب محمدی نامید (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۰). دوره دوم که شامل سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ می‌شود صدور انقلاب به صورت تبیین و ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی تعریف گردید. در این دوره صدور انقلاب به معنای فیزیکی و مکانیکی آن نیست، بلکه هدف، حمایت و یاری معنوی جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی بخش و دادن خط فکری و هستی سیاسی به آنهاست (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۷۲-۷۱). منظور از صدور انقلاب در این دوره به گفته امام خمینی (ره) این بود که؛ «ما می‌خواهیم همین معنویت‌ی که در ایران پیدا شده صادر کنیم، ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم؛ ما می‌خواهیم این انقلاب‌مان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم» (کدیور، ۱۳۷۲: ۹۲). «روشن است که

صدور انقلاب به معنای فیزیکی و جغرافیایی نیست، بلکه نوعی الگودهی و الهام بخشی برای جهان اسلام مد نظر است. اولین نکته موقعیت ما در جهان اسلام است یعنی ایران نباید محدود به مرزهای جغرافیایی باشد نه اینکه ما سرزمین دیگری را بخواهیم بگیریم، بلکه خواهان تعریف و تثبیت موقعیت خود در جهان اسلام هستیم. مسئولیت اسلامی ما این است که سیاست دیپلماسی خود را طوری طراحی کنیم که با موقعیت ما در جهان اسلام هماهنگ باشد... ما در جهان اسلام موقعیت عظیمی داریم، هیچ کشوری جز ایران نمی‌تواند جهان اسلام را رهبری کند و این یک موقعیت تاریخی عظیم است. انقلاب ما آن وقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است به دنیا معرفی کنیم» (مطهری، ۱۳۷۳: ۶۵). امام می‌فرماید؛ «ما هرگز نمی‌خواهیم ارزشهای اسلامی را تحکیم کنیم نه بر غرب و نه بر شرق بر هیچ‌جا اسلام تحمیل نمی‌شود. اسلام با تحمیل مخالف است اسلام مکتب تحمیل نیست اسلام آزادی را با تمام ابعادش ترویج کرده است. ما به تمام جهان تجربیاتمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچکترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۲۰، ۱۱۸).

امام خمینی (ره) ضرورت صدور انقلاب را ناشی از اسلامی بودن آن می‌داند: «نهضت مقدس ایران نهضتی اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تاثیر قرار می‌گیرند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۱۱۴). «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است. مقصد این است که احکام اسلام زنده شود و پیاده گردد و همه در رفاه باشند. همه آزاد و مستقل باشند. ما باید ارزش‌های انسانی را از این جا به همه جا صادر کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۷، ۲۳۸). «ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام، نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی.

نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیاء برای یک محل نبوده و دعوتش مال همه عالم است معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار شوند و دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از این که همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۳، ۱۳۷).

امام خمینی (ره) ضمن تعریف و توضیح مبانی صدور انقلاب از موارد ذیل به عنوان پیش‌نیاز و پیش‌شرط موفقیت در امر صدور انقلاب نام می‌برد:

۱- **وحدت ملت:** «با وحدت ملت با توجه به اسلام و دین اسلام ما همه به پیش باید برویم و جمهوری اسلام را در خارج پیاده کنیم و وجود عینی بدهیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۹۳).

۲- **تحقق کامل اسلام در ایران:** «اگر چنانچه اسلام به آن معنایی که هست در ایران تحقق پیدا کند مطمئن باشید که کشورها یکی پس از دیگری همین رویه را پیدا می‌کنند. تا نتوانیم پیاده کنیم آن چیزی را که موافق رضای خدا و رسول خداست، نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک رژیم اسلامی داریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۱، ۵۲).

۳- **توجه به ملت‌ها:** «متوجه باشید که هر جا زورمندان و دولت‌ها با ما مخالف باشند ملتها با ما موافقند باید اساس را مردم و فکر مردم قرار داد زیرا مردم و توده‌ها با حق هستند چون زیر بار ستم بوده‌اند و نمی‌خواهند تخت سلطه آمریکا و شوروی باشند. اگر بخواهیم انقلاب را صادر کنیم باید کاری کنیم که مردم خودشان حکومت را به دست گیرند تا مردم به اصطلاح طبقه سوم روی کار آیند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۵، ۱۹). ایشان همچنین در خصوص بُعد نرم‌افزاری صدور انقلاب نیز می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم همین معنویتی که در ایران پیدا شده صادر کنیم، ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم ما می‌خواهیم این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی مان را، انقلاب اسلامی مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۲، ۲۸۳).

بدین ترتیب اصل دعوت و صدور انقلاب که یکی از مفروضات اساسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در روابط خارجی با دیگر کشورهای اسلامی است، ارتباط عمیقی را میان انقلاب اسلامی ایران و نهضت‌های اسلامی به وجود می‌آورد. ارتباطی که در فرآیند آن، بنیانگذار نهضت دینی ایران تلاش دارد تا تجربیات عینی و مبارزاتی خویش را همراه با تفکر و باورهای انقلابی و دینی خویش، به پیشگامان جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش انتقال داده و زمینه‌های رشد و شکوفایی آن را فراهم سازد (سجادی، ۱۳۷۸: ۳۶۵).

۳-۱) جنبش‌های اسلامی

یکی از فرایندها تأثیرات انقلاب اسلامی بر سایر حرکات و جنبش‌های اسلامی، نفوذ اندیشه امام خمینی (ره) است. امام به عنوان یک اصلاح‌گر واقعی و موفق توانست برای اولین بار در طی تاریخ اسلامی، یک نهضت اسلامی واقعی را به ثمر برساند و با توسل به مبانی قوی اسلامی بنیان یک حکومت دینی را بنا نهد. با وجود مشکلات و موانع بسیار باز هم اندیشه امام (ره) به عنوان یک منبع غنی برای حرکات‌های اسلامی همواره مورد استفاده قرار گرفته است.

بازگشت به اسلام و مبانی اساسی آن در انقلاب اسلامی ایران در قانون اساسی آن نیز جلوه یافت. بر این اساس طلوع نظام جدیدی در نظام بین‌الملل تحت عنوان «جمهوری اسلامی» نوید بخش بسیاری از جنبش‌ها و حرکات‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی گشت. در واقع انقلاب اسلامی ایران به یک دوره فترت رشد و گسترش نهضت‌های اسلامی پایان داد (موثقی، ۱۳۷۴: ۱۰۳). در نگاه امام خمینی (ره) جنبش‌های اسلامی به مثابه الگویی در جهت مبارزه با استبداد و استکبار جهانی باشند. احیاء و پیاده‌سازی شریعت اسلام در کشورهای اسلامی از جمله وظایف و رویکردهای جنبش‌های اسلامی می‌باشد که باید به آن اهتمام ورزند. بنابراین در قالبی بزرگتر می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران و مبانی آن، تمام جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی که مبارزه با استبداد و استکبار را در دستور کار خود داشتند، در بر می‌گرفت.

۲) اهمیت انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی

ماهیت انقلاب اسلامی ایران در اسلامی بودن آن نهفته است. در انقلاب اسلامی ایران، اسلام هدف بود. انقلاب اسلامی یعنی انقلابی که ماهیت اسلامی، راه اسلامی و هدف اسلامی دارد... به عبارت دیگر اسلام هدف و معیار انقلاب است (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۴۵). پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و تحت تأثیر آن، جهان اسلام متحول شد. یکی از تجلیات این تحول را باید در تغییر کمی و کیفی جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش جستجو کرد. از نظر کمی، شمار جنبش‌های اسلامی افزایش یافت و از خاور دور تا کرانه‌های اقیانوس اطلس و مغرب اسلامی را در بر گرفت که در این خصوص، جنبش‌های رهایی بخش در کشمیر، افغانستان، تونس، الجزایر، آسیای میانه و کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌توان نام برد. تغییرات کیفی محسوس‌تر بود. حرکت‌های ملی، مارکسیستی و التقاطی رنگ باخته و تحولات اسلامی نضج گرفت (سجادی، ۱۳۷۸: ۳۷۷).

انقلاب اسلامی در برهه‌ای از زمان به وقع پیوست که غرب ادعای مرگ مذهب و ایدئولوژی را می‌کرد. حال آنکه انقلاب اسلامی این فرضیه را که اومانیسم می‌تواند در عرصه حیات اجتماعی معیار همه فعالیت‌های انسان و پاسخگوی همه مسائل وی باشد، منسوخ کرد. همچنین انقلاب اسلامی ایران پایه‌های نظری و عملی سکولاریسم را متزلزل کرد. از جمله اقدامات اساسی رهبر انقلاب مخالفت جدی و دامنه‌دار با مسأله جدایی دین از سیاست بود (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۱).

نوع انقلاب ایران بیانگر استقرار و تثبیت یک ذهنیت سیاسی اسلامی بود. با استقرار جمهوری اسلامی ایران که ماحصل تفکرات سیاسی امام و پشتیبانی توده مردم بوده و ریشه در برداشتهای سیاسی از اسلام داشت، به شکل بی نظیر در مأموریت سیاسی اسلام نهادینه شد. برای نخستین بار یک نظام سیاسی برخاسته از اسلام‌گرایی به شیوه‌های انقلابی جایگزین رژیم سکولار غرب گرا و متحد استراتژیک غرب گردید (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۲).

بیشترین تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی را می‌توان در زمینه فکری و فرهنگی و بیداری مسلمانان خلاصه کرد. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی از بُعد ذهنی و فکری آتش زیر خاکستر نهضت‌ها را بار دیگر برافروخت. انقلاب اسلامی یک حرکت فکری قوی را به راه انداخت که نتیجه آن گسترش موج اسلام خواهی است. «گسترش امواج اسلام خواهی بعد از انقلاب اسلامی ایران در مصر، عربستان، سودان، الجزایر و غیره ثابت کرد که انقلاب در ایران محصول یک حرکت فکری بسیار قوی در جهان اسلام است و می‌تواند در همه بلاد اسلامی تکرار شود. انقلاب اسلامی ایران طلیعه تحولی بسیار عمیق در جهان اسلام است» (لاریجانی، ۱۳۷۴: ۲۱۳). از سوی دیگر انقلاب اسلامی به عنوان یک الگوی فکری الهام بخش سایر نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی قرار گرفت. با توجه به غلبه مذهب تسنن در کشورهای اسلامی و نیز جنبش‌های سیاسی اجتماعی این کشورها این نکته حائز اهمیت است که چگونه یک نهضت شیعی (حداقل برای کوتاه مدت) توانست چنان موج عظیمی را به پا کند که در پرتو آن سایر تفاوت‌ها و اختلافات کنار گذاشته شود. به هر حال شکی نیست که «انقلاب ایران الهام بخش اقدامات انقلابی گروه‌های بنیادگرایی سنی در جهان عرب شد و به آن نیروی محرکه بخشید» (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱).

باید اذعان داشت که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جوامع و جنبش‌های شیعی بسیار بیشتر از سایر جنبش‌ها بوده است. ولی حتی در این تأثیرگذاری نیز تفاوت‌هایی مشاهده می‌گردد. به طور کلی جوامع شیعی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- واحدهایی که تأثیرات چندانی چه در عرصه داخلی و چه بر سیاست‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ندارند، نظیر جوامع شیعی اسماعیلی؛

۲- جوامعی که حیطه اثرگذاری آنها در مرزهای ملی تحدید می‌شود، مانند شیعیان عراق و پاکستان؛

۳- نظام‌هایی که تأثیرات آنها در بُعد داخلی و خارجی قابل توجه است.

گروهی از اندیشمندان اعتقاد دارند برد جهانی برخی جنبش‌ها به طور عمده از پیوند و همبستگی یک نهضت و گروه شیعی با عوامل و مؤلفه‌های نفوذمند جهانی همچون نفت یا مذاکرات صلح خاورمیانه نشأت گرفته است (توال، ۱۳۷۹: ۱۰). بنابراین تحولات سیاسی ایران (مانند انقلاب اسلامی) دارای تأثیراتی از نوع سوم تقسیم بندی مذکور است. به طور کلی بازتاب‌های انقلاب اسلامی در دیگر دولت‌های مسلمان به شرایط خاص آن کشور و یا منطقه بستگی داشته است.

طبق نظر اسپوزیتو و پیسکاتوری، بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام چهار شکل داشته است: نخست، در دو کشور (لبنان و بحرین) دخالت ایران ملموس و چشم‌گیر بوده است، دوم، در تعداد بیشتری از کشورها، الگوی ایران و تشویق‌های این کشور جریان‌های سیاسی اسلامی پیشین را تقویت کرده و شتاب بیشتری بخشیده است (مصر، تونس، نیجریه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، پاکستان و فیلیپین). سوم، ایران نقش عام‌تری در برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی ایفا کرده است (مصر، سودان، مالزی و اندونزی). چهارم، الگو و فعالیت‌های ایران دلیل و بهانه لازم را فراهم آورده است تا بعضی حکومت‌ها (عراق، مصر، تونس و اندونزی) جنبش‌های اسلام‌گرای مخالف را مهار و سرکوب کنند (اسپوزیتو و پیسکاتوری، ۱۳۸۲: ۳۳۱-۳۳۰). بنابراین، بحث بر سر موجی است که به عنوان نتیجه انقلاب اسلامی به یک اندازه روی شیعیان در خاور نزدیک اثرگذار بوده است (رایت، ۱۳۷۲: ۳۳-۱۷) انقلاب ایران عامل واسطی بود که قضیه سیاست‌های اسلامی را به مرکز تفکر سیاسی جهان هدایت کرد. با توجه به این نکته، انقلاب دو تأثیر جداگانه بر جای گذاشت که به طور کلی نباید آنها را با هم مخلوط کرد:

الف) چهره انقلاب اسلامی در ایران برای بقیه جهان اعم از شیعه و سنی و غیرمسلمان جذابیت لازم را نداشته است. فقط با تعدیل و ثبت موفقیت در سیاست‌های داخلی است که رهیافت ایران می‌تواند در جاهای دیگر نیز ارتعاشاتی ایجاد کند. کلیه سنی‌ها و حتی بعضی از شیعه‌ها بر این نظرند که امام خمینی (ره) با به دست گرفتن تمامی قدرت به عنوان ولی

فقیه، اقدامی بدعت‌گذارانه کرده است. شیعیان به عنوان یک فرقه بیشترین تنفر سنی‌هایی را که در جوار آنها زندگی می‌کنند برمی‌انگیزند. لذا اغلب سنی‌ها شیعیان را مرجعی برای تقلید نمی‌شمارند و اغلب اعراب اصولاً ایرانیان را دوست ندارند.

(ب) اما تأثیر نمایشی انقلاب عمیق بوده است. حتی کسانی که کوچکترین علاقه‌ای به بستن چمدان خود و راهی شدن به تهران نداشتند، تحت تأثیر قدرت انقلاب قرار گرفتند. آیت الله خمینی (ره) باید درست عمل کرده باشد که توانسته شاه را با تمام قدرتش و حمایت آمریکا سرنگون کند و در این فرایند ایالات متحده را نیز تحقیر و اخراج کند. برای کلیه کسانی که خواهان تشکیل حکومت اسلامی در کشور خود هستند آیت الله خمینی (ره) به دلیل موفقیتش یک الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است... تأثیر نمایشی انقلاب در خلیج فارس، در نخستین سال پس از انقلاب بسیار زیاد بود. با بروز ناآرامی و طغیان در میان شیعیان کویت، بحرین و عربستان سعودی اسلام بار دیگر وارد فرایند سیاسی شد و این جنبش از همان آغاز شکل سیاسی به خود گرفت» (فولر، ۱۳۷۷: ۸۷).

در مجموع می‌توان تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی معاصر را به دو شیوه ذکر کرد. یکی شیوه مستقیم و ایجاد و دیگر شیوه غیرمستقیم و ایجابی. در نوع اول انقلاب باعث ایجاد یک سری حرکت‌ها و جنبش‌های سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته در دیگر کشورهای اسلامی شد. اما در نوع دوم جنبش‌ها از پیش از انقلاب دارای ریشه و فعالیت بودند اما با وقوع انقلاب از این پدیده تأثیر پذیرفته و گسترش یافتند، به عبارت دیگر وقوع انقلاب اسلامی آنها را متأثر ساخته نه وابسته، حال آنکه در نوع اول جنبش‌های مذکور وابسته به انقلاب بودند و هستی و تداوم حیات خود را مدیون انقلاب و حمایت‌های انقلاب می‌دانستند.

۳) تأثیر آموزه‌های امام خمینی (ره) بر عراق

در بین کشورهای منطقه، عراق به لحاظ ویژگی‌های خاص نظیر حاکمیت اقلیت سنی بر اکثریت شیعه طی سالیان طولانی، شرایط نامساعد اجتماعی و اقتصادی شیعیان و نیز قرابت جغرافیایی در زمره نظام‌هایی بود که اولین بازتاب‌های انقلاب اسلامی در آن بروز یافت. اگر یک دولت از بازتاب انقلاب ایران به هراس افتاد، این دولت عراق بود. این نگرانی از دو عامل نشأت می‌گرفت نخست عامل جغرافیاست. موقعیت همسایگی ایران و طول مرز مشترک بین دو کشور به معنای آن بود که احتمال تأثیرپذیری عراق از تحولات ایدئولوژی و ساختار قدرت همسایه شرقی خود بسیار زیاد است. عامل دوم، همپوشی هویت ایرانیان و عراقی‌هاست. نگرانی خاص عراق این واقعیت بود که اکثر مردم آن با ایران شیعه، هم مذهبند و در عین حال، شمار کثیری از شهروندان عراق نیز ایرانی الاصلند. انقلاب ایران، به ویژه به دلیل جاذبه مذهبی و سیاسی برای مسلمانان شیعه، برای گذشتن از مرزی نفوذپذیر، متین و مستحکم ظاهر شد و جامعه پذیرای آن در عراق شد (رایینز، ۱۳۸۲: ۹۳). هراس عراق از انقلاب اسلامی ایران به نقطه‌ای رسید که مقامات عراقی و ایرانی، مهمترین علت حمله عراق به ایران را صدور انقلاب اسلامی ذکر نمودند. از نظر رهبران بعثی حمله به ایران در چارچوب دفاع پیشگیرانه در برابر صدور انقلاب ایران به عراق بود (نگاه کنید به: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۳۴-۳۳۳).

۳-۱) تأثیر حضور امام خمینی (ره) در عراق بر شیعیان عراقی

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۲ پس از قیام ۱۵ خرداد دستگیر شدند و پس از مدتی به ترکیه و از آنجا به عراق تبعید گردیدند. عراق به مدت ۱۴ سال محل زندگی، تدریس و رهبری مبارزات امام بود و در واقع تا سال ۱۳۵۷ و قبل از عزیمت به کویت و سپس فرانسه، ایشان در عراق اقامت داشتند. اقامت ۱۴ ساله در عراق خواه ناخواه امام را با علمای برجسته و طراز اول نجف و کربلا آشنا نمود و این آشنایی منجر به برقراری روابط میان امام و

برخی علمای شیعه نجف گردید که بعدها رهبری مبارزات مردم عراق را بر عهده گرفتند. امام خمینی (ره) به عنوان عالم و مرجع تقلیدی که از حوزه علمیه قم بر خواسته اند و به نجف اشرف مهاجرت نمودند نماینده تفکر حوزه علمیه قم بودند. نوع تفکر حاکم بر حوزه علمیه قم نسبت به حوزه نجف در زمینه مبارزات سیاسی تا حدودی متفاوت می باشد. حوزه علمیه قم در زمینه مبارزات سیاسی قائل به مشی مبارزه همه جانبه برای رسیدن به الگوی حکومت اسلامی همه گیر می باشد. در حالیکه در حوزه نجف به نوعی برداشت غیر سیاسی از اسلام رواج دارد و جنبه های مبارزاتی کمتر در آن نمایان است. در سال‌های ابتدایی ورود امام خمینی (ره) به نجف میان ایشان و آیت الله حکیم و همچنین آیت الله صدر در زمینه نحوه مبارزه اختلاف نظرهایی وجود داشت. ولی با گذشت زمان و شدت یافتن فشار حکومت بعثی عراق دیدگاه‌های مبارزاتی رهبران شیعیان عراق به امام خمینی نزدیک تر گردید و روابط ایشان بر تأثیرپذیری آنان از مشی مبارزات امام افزود. پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ شرایط جنبش عراق به نسبت قبل از آغاز جنگ دچار تغییر تحول گردید. با سرکوب شدید شیعیان که پس از انقلاب اسلامی به وقوع پیوست رهبران اصلی این جنبش یا دستگیر شدند و یا به ایران پناه آوردند.

از میان رهبران جنبش آیت الله حکیم و صدر دستگیر و اعدام گردیدند و فرزندان آیت الله حکیم به ایران پناهنده شدند و پایه جنبش شیعیان را در ایران پی ریزی نمودند و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق تشکیل گردید. در ایران رابطه رهبران جنبش که اکنون تحت عنوان معارضین فعالیت می نمودند با امام خمینی (ره) بسیار نزدیک تر گردید و به طور مستقیم از رهنمودهای ایشان استفاده می نمودند که پس از رحلت حضرت امام نیز این رابطه با مقام معظم رهبری ادامه پیدا نمود.

در واقع می توان گفت آشنایی شخصی و روابط فردی در تأثیر پذیری جنبش مردم عراق از رهبری انقلاب ایران مؤثر بوده است. امام خمینی (ره) همواره با آیت الله حکیم، آیت الله صدر و سایر علمای و رهبران شیعیان عراق مراودات نزدیک داشتند و در جلسات

یکدیگر شرکت می نمودند. به خصوص در ایام محرم و مناسبت‌های مذهبی این مراودات و تبادل نظرات شدت می گرفت و اصلی ترین دلیل اخراج امام از عراق نیز همین رابطه تنگاتنگ ایشان با رهبران شیعیان عراق بود. علمای شیعه مبارز عراق گر چه در پاره‌ای موارد با امام خمینی (ره) دچار اختلاف نظر بودند ولی مشی مبارزاتی ایشان را به عنوان الگوی حرکت موفقیت آمیز انقلاب اسلامی مبتنی بر ایدئولوژی شیعه پیگیری می نمودند.

۲-۳) عوامل مؤثر بر تأثیرپذیری جنبش اسلامی عراق از امام خمینی (ره)

در زمینه الگوی تأثیرپذیری جنبش اسلامی مردم عراق از رهبری انقلاب ایران اشتراکات ایدئولوژیک، اشتراکات فرهنگی - تاریخی، موقعیت منطقه‌ای و موقعیت سیاسی دو کشور نقش عمده‌ای ایفا نمودند که به هر یک از آنها در ذیل پرداخته می شود.

۱-۲-۳) اشتراکات ایدئولوژیک:

در تاریخ خاورمیانه جنبش‌های متعددی براساس تفکرات اسلامی شکل گرفته اند، تمامی این جنبشها یا بر پایه برداشت‌های افراطی از اسلام مبتنی بوده اند (وهابیت، سلفی گری) و یا جنبش‌هایی بوده اند که بر نوعی مداراجویی و اصلاح طلبی استوار بوده‌اند. به جرأت می توان گفت در تاریخ معاصر خاورمیانه تا پیش از انقلاب اسلامی هیچ جنبشی که پایه آن براساس اسلام سیاسی مبتنی بر تفکر شیعه شکل گرفته باشد، روی نداده بود. برای جنبش مردم عراق و رهبری آن هیچ الگویی مناسب تر از یک رهبر شیعه وجود نداشت و این الگو در وجود رهبری انقلاب اسلامی ایران به ظهور رسید. مردی روحانی که اسلام سیاسی بر اساس آموزه های تشیع را سر منشاء راه خود برای بوجود آوردن دگرگونی عظیم در ساخت سیاسی ایران قرار داده بود و در این راه نیز به موفقیت دست یافته بود (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۶۹-۱۶۱). شیعیان در عراق همواره در حال مبارزه با حکومت‌های حاکم بر عراق بوده‌اند و این مبارزه پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران به علت وجود مذهب مشترک و تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، شدت بیشتری یافته است. مهمترین زمینه‌ای

که تأثیرگذاری انقلاب ایران را برای شیعیان عراق تسهیل و پذیرفتنی می‌کند اشتراکات ایدئولوژیکی میان آنها می‌باشد. یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مشترک مذهبی مفهوم «جهاد» و «شهادت» است که از واقعه تاریخی شهادت امام حسین (ع) الهام گرفته شده است. این مفهوم عناصر مبارزه طلبانه خاصی در خود دارد که مستمسک مناسبی را برای قیام علیه ظلم به دست می‌دهد.

مسأله حکومت اسلامی یکی از مسائل مهم شیعه پس از غیبت امام دوازدهم می‌باشد که به طور ارگانیکی با مسأله اعتراض و حق شورش پیوند دارد. اعتقاد شیعه مبنی بر نامشروع بودن همه حکومت‌های دنیوی، مسأله رفتار و برخورد با اینگونه حکومت‌ها را در پرده‌ای از ابهام قرار داده بود. در طول زمان، علما اگر چه رسماً حکومت را به رسمیت شناختند (از دوران صفویه)، اما به طور کامل نواهای مختلف به خاموشی نگرائید تا اینکه در نیمه دوم قرن بیستم مسأله حکومت اسلامی با ولایت فقها را جدی گرفتند. بر این اساس بر مردم فرض بود که علیه حکومت نامشروع و ظالم به پا خیزند و مقدمات برپایی حکومت اسلامی را فراهم نمایند. دعوی حاکمیت علماء، فقهاء و حکومت اسلامی جای هیچ‌گونه مصالحه و حتی فرصتی را برای اصلاح حکومت‌ها باقی نگذاشت. مشارح این نظریات در ایران امام خمینی (ره) و در عراق محمدباقر صدر بود (برآهویی، ۱۳۷۱: ۱۹۹).

۲-۲-۳) اشتراکات فرهنگی - تاریخی:

در این زمینه باید به وجود پیشینه روابط طولانی میان جوامع شیعی عراق و ایران اشاره کرد. عامل اساسی در این میان وجود شهرهای مذهبی شیعه در عراق می‌باشد. همچنین حوزه علمیه نجف یکی از مراکز مهم شیعه بوده که محل برخورد میان طلاب علوم دینی از کشورهای مختلف می‌باشد. در واقع نجف به عنوان مرکز مهم دینی - مذهبی شیعه از دیرباز تاکنون مورد توجه شیعیان عالم بوده است و گاهی اقامت مرجع تقلیدی که مورد احترام و پذیرش عمومی شیعیان باشد، موجبی دیگر بر اعتبار نجف و پیوستگی میان جامعه شیعیان در کشور می‌شده است. ایدئولوژی انقلابی توسط امام خمینی (ره) و شهید محمدباقر

صدر در همین حوزه ارائه می‌شد و طلایی که در آنجا تحصیل می‌کردند بعدها مبلغان این اندیشه‌ها در جوامع خود شدند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تمایلات و تصورات آنها را شعله‌ور و روزنه‌های نفوذ جدیدی را برای مردم فراهم نمود. در واقع وجود جوامع وسیع شیعه در ایران و عراق، یک رابطه همزیستی میان نهادهای روحانی دو کشور به وجود آورده است (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴).

در کل جنبش شیعیان عراق و گروه‌های معارض عراقی پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران به دلایل مختلف مهمترین کانون پذیرش و ترویج آمال و اهداف انقلاب در جهان اسلام بوده‌اند که عللی مانند؛ مذهب تشیع دوازده امامی، وجود عتبات عالیات در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرای عراق، بافت فرهنگی - اجتماعی مشابه دو کشور، وجود حوزه‌های علمیه و غیره به مثابه مبانی همبستگی فرهنگی تاریخی آن می‌باشد.

۳-۲-۳) موقعیت منطقه‌ای:

منطقه خاورمیانه همیشه در کانون توجهات قرار داشته است. با نگاهی به تاریخ معاصر خاورمیانه در می‌یابیم که به علت موقعیت خاص ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک این منطقه و همچنین منابع عظیم انرژی، این منطقه صحنه چالش‌های فراوانی بوده است و قدرتهای بزرگ بر سر دست یابی و تسلط بر منطقه با یکدیگر به شدت به مجادله و منازعه می‌پرداختند. در منطقه خاورمیانه دو کشور ایران و عراق از نقش ممتاز و موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک ویژه‌ای برخوردارند با این تفاوت که نقش و موقعیت ایران برجسته‌تر است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و استقرار جمهوری اسلامی مبتنی بر مذهب شیعی، موقعیت شیعیان را در این منطقه به شدت ارتقاء بخشید و باعث گردید تا شیعیان به وزنه تأثیرگذار در معادلات این منطقه تبدیل گردند. در عین حال، کشور عراق با اکثریت ۶۰٪ شیعه و موقعیت ممتاز جغرافیایی و اقتصادی و با توجه به وزن سیاسی شیعیان در آن، می‌توانست در تشکیل یک قدرت مسلط شیعی دیگر در منطقه نقش مهمی را ایفا نماید. از آنجایی که چشم انداز آینده منطقه با وجود ایران و عراق شیعه بسیار جذاب می‌نماید و همچنین برای

جبران ستم تاریخی که بر شیعیان رفته است، رهبران جنبش اسلامی عراق، روند تحولات انقلاب اسلامی ایران (به خصوص مشی و عملکرد در رهبری آن) را به دقت زیر نظر داشتند و با الگوی برداری از آن درصدد تشکیل دومین حکومت شیعی در منطقه بودند تا نقش و جایگاه شیعیان در این منطقه بیش از پیش ارتقا یابد و دو حکومت شیعی ایران و عراق بتوانند در تحولات منطقه‌ای و جهانی نقش مؤثری را ایفا نمایند.

۴-۲-۳) موقعیت سیاسی دو کشور:

موقعیت و ساخت سیاسی دو کشور نیز شباهت‌های زیادی به یکدیگر داشت. در هر دو کشور یک حکومت خودکامه دیکتاتور که توسط یک نفر اداره می‌گردید، وجود داشت (در ایران محمد رضا شاه و در عراق صدام حسین)؛ در هر دو کشور ملی‌گرایی به صورت افراطی و برای مقابله با جریان‌های اسلامی ترویج و تبلیغ می‌گشتند (در ایران پان‌ایرانیسم و در عراق پان‌عربیسم)؛ هر دو کشور از درآمدهای نفتی هنگفت برخوردار بودند و اقتصاد در حال رشدی داشتند؛ بودجه نظامی هر دو کشور بسیار بالا بود و هزینه‌های نظامی هر دو کشور بخش قابل توجهی از درآمد ناخالص ملی را تشکیل می‌داد. (در عراق ۱۹/۵٪ در سال ۱۹۷۵ و در ایران ۲۶/۵٪ در همان سال)؛ از لحاظ درآمد سرانه و وضعیت فقر، هر دو کشور دارای شرایط نسبتاً مشابه‌ای بودند و درآمد و ثروت به صورت ناعادلانه‌ای توزیع گردیده بود؛ سازوکارهای انتخاب دموکراتیک و گردش نخبگان و قدرت در دو کشور وجود نداشت و همچنین سنت‌های شیعی در دو کشور ریشه عمیقی داشت و اساس تحولات اجتماعی و فرهنگی دو کشور را تشکیل می‌داد. همچنین هر دو کشور دارای دو پایگاه عظیم جنبش شیعی یعنی قم و نجف بودند که سرمشق بسیاری از تحولات اجتماعی و سیاسی بودند. با این اوصاف هر دو کشور برای آغاز یک جنبش اسلامی شیعی بسیار مستعد بودند و این جنبش در ایران زودتر شکل گرفت و طبیعی است با توجه به شباهت‌های سیاسی و اجتماعی دو کشور، شیوه‌های رهبری، تاکتیک‌های مبارزاتی و مشی سیاسی جنبش اسلامی دو کشور بسیار به یکدیگر شبیه می‌باشند. به همین دلیل طبیعی بود که نگاه

رهبران اسلامی عراق به سوی انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن معطوف می‌گردید و شیوه‌های مبارزاتی خود را بر پایه این رهبری استوار می‌نمودند (فضل‌آبادی، ۱۳۸۱: ۸۵).

۳-۳) مردم عراق و آموزه‌های امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) همواره در سخنرانی‌های خود تمام اقشار ملت عراق را مورد خطاب قرار داده است:

۱- ۳-۳) علمای عراق از اهل سنت و تشیع

«ای علمای اعلام و ای مشایخ اهل سنت و خطابه و ای روشنفکران مردم را آگاه کنید و به خاطر اسلام و حفظ سرزمین‌های اسلامی قیام کنید».

۲- ۳-۳) عشایر دجله و فرات

«ای عشایر دجله و فرات برخیزید و از اسلام دفاع کنید و از قرآن و فرامین آن پیروی نمائید چرا که دفاع از اسلام و قرآن واجبی است برای تمام مسلمانان».

۳- ۳-۳) ارتش عراق

«ای ارتش عراق، ای نیروهای مسلمان به سوی اسلام باز گردید تا زمانی که فرصت دارید».

۴- ۳-۳) کارگران و کارمندان

«من از کارگران و کارمندان حکومت بعثی مایوس نبوده‌ام و امیدوارم که دست در دست ملت عراق در محو این لکه ننگ تلاش کنند».

۵- ۳-۳) دانشگاهیان و دانشجویان

«ای جوانان دانشگاهی، ای دانشجویان عزیز به ندای اسلام و ملت خود لبیک گفته و قهرمانانه به پا خیزید که پیروزیتان نزدیک است» (نگاه کنید به: قربانی کشککی، ۱۳۷۱:

۴-۳) تأثیر آموزه‌های امام خمینی (ره) بر جنبش‌های اسلامی عراق

با در نظر گرفتن ویژگی‌های فوق، تأثیر اندیشه و آموزه‌های امام خمینی (ره) بر جنبش‌های اسلامی عراق را به صورت خلاصه می‌توان در گزاره‌های ذیل تبیین نمود:

۱- در عراق، وجود حزب الدعوه الاسلامیه، جماعه العلماء، حزب الفاطمی و دیگر احزابی که نظریات فقهی امام را قبول داشتند تحت تأثیر حرکت امام خمینی (ره) بودند. علاوه بر این امام مهمترین بحث سیاسی خود ولایت فقیه را در حوزه علمیه نجف اشرف شروع کردند و به پایان رساندند و شاگردان ایشان، تنها روحانیون ایرانی نبودند بلکه علماء و طلاب عراقی نیز در درس ایشان شرکت می‌کردند. سید محمد باقر صدر رهبر وقت جنبش عراق در درس ایشان شرکت داشتند و همچنان که بیان شد بسیاری از افکار انقلابی امام توسط ایشان به شیعیان عراق انتقال پیدا کرد. در اثنای دستگیری آیت‌الله صدر در ژوئن ۱۹۷۹ گروه‌های کثیری از مردم از بغداد، بصره، ناصریه، کرکوک، دیوانیه، سماوه، دیاله و دیگر نقاط وارد نجف شدند (انتفاضه رجب) تا بیعت خود را با وی به عنوان مرجع تقلید اعلام کنند. بعد از آن آیت‌الله صدر فتوایی صادر کرد و مبارزه بر ضد حزب را واجب شمرد. در آن مقطع این شعارها بر دیوار شهرها نقش بسته بود:

«به نام صدر و خمینی، اسلام پیروز است»، «زننده باد صدر، اسلام پیروز است» (ویلی، ۱۳۶۳: ۱۹۸-۱۹۴).

در رابطه با فعالیت‌های سید محمد باقر صدر در مبارزه با رژیم بعثی عراق و تأثیرپذیری از امام خمینی (ره) می‌توان موارد ذیل را نیز ذکر نمود: الف) فتوای وی مبنی بر تحریم عضویت در حزب بعث، ب) ایجاد پیوند میان مردم و انقلاب اسلامی و رهبر آن، پ) اقدامات رهبری در عراق، ت) توجه به سازماندهی اسلامی، ث) مبارزه مسلحانه بر ضد رژیم و ج) ارتباط با امام خمینی (ره) (قربانی کشککی، ۱۳۷۱).

۲- در بین مراجع بزرگ عراق در چند دهه اخیر تنها سید محمد باقر صدر دیده می‌شود که هم در زمینه غنا بخشیدن به اندیشه سیاسی اسلام کار کرده است و هم عملاً وارد عرصه

عملی سیاست شده و رهبری سیاسی مردم عراق، به ویژه بعد از کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۸ را بر عهده گرفته است. در واقع شیعیان در این کشور در جست و جوی خمینی عراق بودند و آن ویژگی‌ها را در آیت الله صدر دیده بودند. آیت الله صدر نیز تعالیم و آموزش‌های خود را برای هدایت امواج انقلاب اسلامی مستقیم یا غیر مستقیم به ملت اعلام می‌کرد (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۰۵).

۳- خاندان بزرگ حکیم و شاگردان و پیروان آیت الله صدر حرکتی را که آیت الله صدر در الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران و تبعیت از آن برای رسیدن به پیروزی در عراق به وجود آورد، دنبال نمودند. در این بین می‌توان به شخصیت‌هایی همچون خاندان آیت الله سید محسن حکیم (شاگردان و پیروان آیت الله صدر به ویژه سید مهدی حکیم)، سید محمدباقر حکیم، سید کاظم حائری، سید مرتضی عسکری، شیخ محمد مهدی آصفی و غیره اشاره کرد. امروزه در اکثر نشریات و روزنامه‌هایی که توسط احزاب مبارز شیعی منتشر می‌شود عکس یا سخنی از آیت الله صدر دیده می‌شود. نشریات لواء الصدر، الشهادة، الجهاد، الشهيد، الجمعة و غیره نمونه‌هایی هستند که به روشنی بیانگر این موضوع می‌باشند.

۴- مراسم و برنامه‌های عزاداری ایام محرم، صفر، رمضان المبارک و ارتباطی که این مراسم با مراسمی که هم‌زمان در ایران تشکیل می‌شد به ویژه در طول نزدیک به دو سال اول یعنی از شروع انقلاب تا جنگ تحمیلی داشتند. در بسیاری از این مراسم افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در قالب مراسم مورد نظر ترویج می‌گردید.

۵- بسیاری از مردم عراق از امام خمینی (ره) تقلید می‌کردند و این تقلید در مسائل سیاسی نیز صورت می‌گرفت و این امر منتهی به اثرگذاری ایشان بر جنبش‌های اسلامی عراق می‌گردید.

۶- انتقال مراکز و تشکیلات گروه‌های معارض شیعی از عراق به ایران، پس از تشدید سیاست سرکوب از سوی رژیم بعثی. این مسئله منجر به نزدیکی این گروه‌ها به امام خمینی (ره) و آشنایی کامل‌تر و صحیح‌تر از اندیشه‌های ایشان می‌گردید.

در آخر گرچه مشهود ولی لازم به ذکر است که؛ صداقت، صراحت، شجاعت، سازش‌ناپذیری، از جان گذشتگی، صلابت، عشق به اسلام، مقام عرفانی، وارستگی، شخصیت والای علمی و فقهاتی و سادگی معنادار زندگی امام خمینی (ره) در ارائه این الگوی رهبری موثر بود (عمیدزنجانی، ۱۳۸۱: ۳۳). فیصل عبداللثمه، عضو حزب کمونیست عراق معتقد است: «امام خمینی (ره) رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران شخصیتی انکارناپذیر است. بدون شک امام خمینی (ره) چهره بی‌نظیر و برجسته قرن بیستم بود و در قرن بیست و یکم نیز هنوز ایشان شخصیت بلامنازع جهان هستند... تأثیر اندیشه‌ها و افکار ایشان همچنان جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و امروز و بعد از گذشت هیجده سال از ارتحال امام راحل شاهد زنده بودن و پویایی افکار این رهبر بزرگ هستیم. عراق از جمله کشورهایی است که از امام خمینی (ره) بسیار متأثر شده است (www.imam-khomeini.com, 1386).

۴) موانع و محدودیت‌های پیاده‌سازی افکار امام خمینی (ره) در جهان اسلام

۴-۱) محدودیت‌های داخلی

محدودیت‌های داخلی پیاده‌سازی افکار امام خمینی (ره) در جهان اسلام را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم نمود؛

۴-۱-۱) شور انقلابی و القای ناصحیح تفکرات امام خمینی (ره): صدور انقلاب به نوعی از ویژگی‌های هر انقلابی است. رهبری انقلاب نیز از ارکان لازم هر انقلابی محسوب می‌شود. بنابراین در این راستا درست‌القا نمودن پیام‌ها، آموزه‌ها و ارزش‌های رهبری نقش مهمی در صدور انقلاب دارد. در انقلاب اسلامی ایران نیز آموزه‌ها و ارزش‌های رهبر انقلاب به درستی بیانگر شخصیت ایشان بود ولی مروجین و به تبع آن پیام‌گیران اندیشه‌های ایشان دچار

بدهمی گردیدند. بنابراین ما در بیشتر جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی مشاهده می‌نماییم که افکار شخصیت‌های دیگر انقلاب همچون علی شریعتی و مطهری بیشتر رسوخ نموده است. نتیجه این برداشت ناصحیح باعث گردید که آموزه‌های امام خمینی (ره) به عنوان افکار رادیکالی اسلامی نمود یابد و اندیشه‌های شریعتی، مطهری و غیره به صورت معتدل‌تر جلوه نمایند. دلیل اصلی چنین القائاتی به عملکرد شخصیت‌های انقلابی تندرو باز می‌گردد که با منتسب نمودن عملکرد تندروانه خود به اندیشه‌های امام خمینی (ره)، زمینه را برای برداشت‌های غلط جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی از اندیشه‌های امام فراهم می‌نمودند. برخی از شعارها و پیام‌های انقلاب اسلامی، مثل این سخن امام خمینی (ره) «نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملتها...» از سوی برخی شخصیت‌های تندروی انقلاب و دشمنان انقلاب به منزله قصد ایران برای مداخله در سایر کشورها و براندازی نظام‌های سیاسی آنها تلقی شد. در حالی که «معنای صدور انقلاب ما، این است که همه ملتها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند، و خودشان را از این گرفتاری‌هایی که دارند نجات بدهند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۳، ۱۲۳).

۲-۱-۴) عملکرد نامناسب مقامات جمهوری اسلامی و فراموش کردن افکار بنیادین امام خمینی (ره): محدودیت داخلی دیگری که مانع از پیاده‌سازی صحیح و کامل اندیشه‌های امام خمینی (ره) در جوامع اسلامی گردید، به عملکرد برخی مقامات نظام پس از رحلت ایشان بازمی‌گردد. رحلت امام خمینی (ره) مصادف با برخی تحولات مهم، از جمله پایان پذیرفتن جنگ تحمیلی بود که ضرورت بازسازی خسارات ناشی از آن را ایجاب می‌نمود. بنابراین این مهم در دولت سازندگی دنبال گردید و بنا به نظر دولت وقت لازمه چنین امری ایجاد فضای اقتصادی باز و لیبرال بود. اعمال چنین سیاستی بی‌شک منتهی به افزایش روح سرمایه‌داری، اختلاف طبقاتی، خصوصی‌سازی و غیره می‌شود که با آموزه‌های بنیادین امام در خصوص عدالت‌طلبی، حمایت از مستضعفین، استکبارستیزی، مبارزه با سرمایه‌داری و غیره در تناقض قرار داشت. شاید در آن برهه زمانی هر دولتی بر سر کار

می‌بود اقدامات دولت سازندگی را انجام می‌داد ولی به هر ترتیب پیاده سازی افکار اقتصاد لیبرالی مانع جدی در برابر ادامه رشد آموزه‌های بنیادین امام خمینی (ره) در میان جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی گردید.

۲-۴) محدودیت جهان اسلام

محدودیت‌های ایجاد شده از سوی جهان اسلام برای پیاده سازی افکار امام خمینی (ره) در میان جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم نمود، گرچه در دل آن، تقسیم بندی‌های دیگری نیز می‌توان ارائه داشت.

۱-۲-۴) وجود مذاهب شیعه و سنی در اسلام: نوعی معارضه تاریخی بین شیعه و سنی وجود داشته و دارد. البته تضاد تسنن وهابی با انقلاب اسلامی بیشتر است، و حتی تسنن متأثر از تصوف نیز، تضاد کمتری با شیعه دارد و سپاه صحابه در پاکستان، طالبان در افغانستان از مصادیق بارز مخالفین تشیع در جهان اسلام‌اند. به هر روی، علی‌رغم وحدت خواهی و وحدت طلبی انقلاب ایران، تضاد اهل سنت با شیعه، به کلی از بین نرفته است (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۴۳). این اختلافات باعث خواهد گردید که در جوامع تندروی سنی مذهب و یا در جوامع اسلامی که تندروهای سنی حکومت را در دست دارند، امام خمینی (ره) به عنوان رهبری شیعی به جای رهبری اسلامی معرفی گردد. بی تردید چنین تبلیغاتی محذوراتی را برای پیاده سازی افکار امام در این جوامع ایجاد نمود، گرچه در بسیاری موارد آموزه‌های امام بر آزاداندیشان مؤثر افتاد.

۲-۲-۴) عرب و عجم: امویان، عباسیان و نیز عثمانیان و صفویان، به نوعی معارضه عرب و عجم را دامن زدند و حتی جنگ عراق علیه ایران به عنوان جنگ قادسیه (مهمترین جنگ بین مسلمانان و ساسانیان) بین ایرانیان و عرب‌ها توجیه می‌شد. به هر روی، آنان ایرانیان را مجوس می‌دانستند، و بر این اساس اعراب را برابر با اسلام و ایرانیان را مخالف با آن می‌دیدند، این نحوه اندیشیدن، هم اینک نیز، کم و بیش وجود دارد. چنین تمیزگذاری مطمئناً

باعث ایجاد مرزبندی‌هایی برای انقلاب اسلامی می‌گردد و به تبع آن رهبری انقلاب نیز به عنوان رهبر انقلابی «ایرانی» و نه اسلامی معرفی می‌شود.

۳-۴) محدودیت‌های ساختاری نظام بین‌الملل

فروپاشی نظام دوقطبی و پیروز بیرون آمدن ایالات متحده از جنگ سرد ساختار نظام بین‌الملل را دچار تحول گردانید. «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به عنوان یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب اسلامی ایران در دوران نظام دوقطبی نمود یافت. در حالی که از بین رفتن نظام دوقطبی تا حدودی از اثرگذاری این شعار کاست و با تبلیغات قدرت هژمون، برداشت رادیکال از اسلام و نحوه مبارزات آنان (تروریسم) به عنوان دشمن اصلی نظام لیبرالیسم معرفی گردید. در چنین فضای تبلیغاتی، انقلاب اسلامی ایران نیز به عنوان برداشتی رادیکال از اسلام و یا حداقل مدافع جدی جنبش‌های رادیکالی در دنیا به حساب آمد. بدون شک فضای تبلیغاتی ضد انقلاب اسلامی، محدودیت‌هایی را برای پیاده سازی صحیح افکار و آموزه‌های امام خمینی (ره) ایجاد می‌نماید.

نتیجه‌گیری

«اکثر انقلاب‌های ناب و واقعی، حامل بذره‌های یک ایده جدید هستند که از شرایط محلی و منطقه‌ای فراتر رفته و بعد از ریشه‌یابی رشد می‌نمایند. از سوی دیگر اثرات سیاسی و اجتماعی انقلاب‌ها در طی سال‌ها ارزیابی نمی‌شود بلکه در طی نسل‌ها و حتی قرن‌ها باید مورد تدقیق قرار گیرد».

نفوذ موفقیت‌های انقلاب اسلامی و ایدئولوژی امام خمینی (ره)، در بسیاری از کشورهای اسلامی با پافشاری موفقیت آمیز بر «اسلام مردمی» قویاً احساس می‌شود. آراء و افکار امام خمینی (ره) نقش بسزایی در صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به خارج از مرزهای ایران داشته است. امروز این تردید مطرح است که ایران و انقلاب اسلامی دیگر در پی صدور

انقلاب نیست و از اصول و ارزش‌های انقلابی خود دست برداشته است اما صحیح‌تر آن است که بگوئیم ایران از اصول اولیه خود دست برنداشته و صدور انقلاب منسوخ نشده است بلکه طی ادوار مختلف شکل صدور انقلاب تغییر کرده است. گر چه تجربه انقلاب اسلامی در ایران در هیچ یک از کشورهای اسلامی روی نداد ولی بی تردید جنبش‌های اسلامی آن کشورها را متأثر ساخت و بخشی از این جنبش‌ها با الهام از انقلاب ایران شکل گرفت. در این راستا بسیاری از جنبش‌های اعتراضی شیعه در عراق پس از انقلاب ایران روی داد. در واقع پیروزی انقلاب به طور اتوماتیک باعث برانگیختگی جنبش‌های شیعه گردید و آن پیروزی معادل با پیروزی شیعه تصور شد. تأثیرات انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی عراق به ویژه شیعیان پس از آمدن این گروه‌ها به ایران بیشتر شد به طوری که با تشکیل یک جبهه واحد به نام مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق که در بردارنده احزاب و گروه‌های معارض عراقی بود نقشی تعیین کننده در هدایت حرکت‌های مردمی عراق داشته است. احزاب معارض عراقی ایران را به عنوان یگانه ملجاء و متحد طبیعی قدرتمند خود برای پیگیری اهداف خود می‌دانستند، هر چند حمایت جمهوری اسلامی ایران از احزاب و گروه‌های عراقی با توجه به نوع و اهداف گروه‌ها و سازمان‌های شیعی و غیر شیعی درجات متفاوتی داشته است اما اصل حمایت را به همراه داشته است. جدا از آثار انقلاب بر شیعیان، بدون شک جمهوری اسلامی ایران باعث شده است که گروه زیادی از اهل تسنن در ایمان و عقیده مذهبی خود قوی تر شوند.



شکل ۱: پراکندگی جغرافیای جمعیتی شیعیان در کشورهای منطقه

Source: <http://www.democracyinlebanon.org/images/Shiite-Middle-East-Map-1.jpg>

نام سازمان	عقاید و عضویت	بنیاد چینی	فرقه	رهبری	اندازه	وضع فعلی	پیوندهای خارجی
حزب الدعوة	طبقه متوسط	زیاد	شیعه	فره مند آیت الله محمدباقر صدر	بزرگ	تحت سرکوب، زیرزمینی (فلبینی)	ایران، کشورهای خلیج، آمریکا، انگلستان، کویت، دبی، بحرین، لبنان
حزب الفاطمی	اغلب اعضای آن اصالت ایرانی دارند.	متوسط	شیعه	دسته جمعی	کوچک	سرکوب شده (طرزدار شاه)	ایران
حزب الثورة الاسلامی (حزب انقلاب اسلامی)	-	زیاد	شیعه	فره مند	کوچک	سرکوب شده	ایران
انجمن المسلمین	طبقه متوسط	پایین	سنی	دسته جمعی	متوسط	غیرفعال، با صدام حسین همکاری می‌کند (فلبینی)	مصر، سوئیه، اردن، عربستان سعودی
اتحاد الاسلامیه الفلبی، العراقی (اتحاد اسلامی دانشجویان عراقی)	دانشجو	زیاد	شیعه	-	بزرگ	تحت سرکوب، زیرزمینی	ایران، کشورهای خلیج فارس، اروپا، آمریکا
جماعه العلماء	سازمان پرورش	زیاد	شیعه	آیت الله محمدباقر صدر	متوسط	زیرزمینی	ایران
مجلس الثورة الاسلامیه	-	زیاد	شیعه	فره مند	کوچک	تحت سرکوب	ایران
مجاهدین	روشنفکران، تاکید بر تحول اقتصادی	زیاد	شیعه	فره مند الهام گرفته از محمدباقر صدر	متوسط	زیرزمینی	ایران
منظمه العمل الاسلامی (سازمان عمل اسلامی)	علماء	زیاد	شیعه	دسته جمعی، شیخ محمد التیرازی، شیخ هادی مدرسی	متوسط	زیرزمینی	ایران (مدرسی طراح کودتای بحرین در ۱۹۸۱ بود)
رابطه الاسلامیه	-	زیاد	شیعه	فره مند	کوچک	تحت سرکوب	ایران

جدول ۱: گروههای اسلامگرای کشور عراق

منبع: (دکمجان، ۱۳۷۷: ۴۳۴-۴۳۳)

منابع

- ۱) اسپوزیتو، جان ال. و جمیز پی. پیسکاتوری (۱۳۸۲). «بازتاب جهانی انقلاب ایران: چشم‌انداز خط مشی‌ها»، در جان ال. اسپوزیتو، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: انتشارات باز.
- ۲) برآهویی، نرجس خاتون (۱۳۷۱). **اصول گرایی اسلامی و تأثیرات منطقه‌ای آن**، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، تهران: دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۳) توال، فرانسوا (۱۳۷۹). **ژئوپلیتیک شیعه**، ترجمه علیرضا قاسم آقا، تهران: نشر آامن.
- ۴) جعفریان، رسول (۱۳۷۸). **مقالات تاریخی**، قم: انتشارات الهادی.
- ۵) دکمچیان، هریر (۱۳۷۷). **جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**، ترجمه حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- ۶) دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سمت.
- ۷) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸). «تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس»، **فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۱۱.
- ۸) رابینز، فیلیپ (۱۳۸۲). «عراق: تهدیدهای انقلابی و پاسخ‌های رژیم»، در جان ال. اسپوزیتو، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: انتشارات باز.
- ۹) رایت، رابین (۱۳۷۲). **شیعیان مبارز راه خدا**، ترجمه علی اندیشه، تهران: نشر قومس.
- ۱۰) سجادی، سیدعبدالقیوم (۱۳۷۸). «امام خمینی (ره) و جنبش‌های اسلامی معاصر»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال دوم، شماره پنجم.
- ۱۱) عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱). **انقلاب اسلامی ایران**، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- ۱۲) فضل‌آبادی، رحمان (۱۳۸۱). «آمریکا و خاورمیانه»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۹۱ - ۱۹۰.
- ۱۳) فولر، گراهام (۱۳۷۷). **قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران**، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

- ۱۴) قربانی کشککی، منوچهر (۱۳۷۱). «جنبش‌های اسلامی در عراق از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸»، **پایان نامه دوره کارشناسی ارشد**، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۱۵) کدیور، جمیله (۱۳۷۲). **رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا**، تهران: اطلاعات.
- ۱۶) لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۴). **کاوش‌های نظری در سیاست خارجی**، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۷) محمدی، منوچهر (۱۳۸۴). «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، **فصلنامه پانزده خرداد**، سال دوم، شماره پنجم.
- ۱۸) مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). **پیرامون جمهوری اسلامی**، تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۹) موثقی، احمد (۱۳۷۴). **جنبش‌های اسلامی معاصر**، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۰) موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). **صحیفه نور** (مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله‌العالی)، تهران: تهیه و تنظیم سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲۱) ویلی، جویس، ان (۱۳۶۳). **نهضت اسلامی عراق**، تهران: مؤسسه اطلاعات.

22) www.democracyinlebanon.org

23) www.imam-khomeini.com